



گدایی تأیید در اینستاگرام و ایکس، عزت را می‌کشد/عزت دیجیتال، چیست؟

در شبکه‌های اجتماعی، برای گرفتن لایک و تأیید، هر حرفی را می‌زنی و روی هر موجی سوار می‌شوی؟ این گدایی «عزت دیجیتال» از مردم است. عزت دست خداست که با صداقت و حق‌گویی به دست می‌آید.

در شبکه‌های اجتماعی، برای گرفتن لایک و تأیید، هر حرفی را می‌زنی و روی هر موجی سوار می‌شوی؟ این گدایی «عزت دیجیتال» از مردم است. عزت دست خداست که با صداقت و حق‌گویی به دست می‌آید.

خبرگزاری مهر-گروه دین، حوزه و اندیشه: قرآن، کتاب زندگی است که هم نشینی با آن، رنگ خدایی بر همه لحظات و روابط انسان می‌زند: صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً؛ و این رنگ الهی، آسان شدن همه امور زندگی و رفع موانع را به دنبال می‌آورد. در مقابل، کسی که به دستورهای قرآن و هم نشینی با آن پشت کند، زندگی اش را سراسر، مشکلات و سختی‌ها فرامی‌گیرد.

قرآن، کتاب زنده‌ای است که هم نشینی با آن حیات بخش است و ما را به مرتبه حیات دعوت می‌کند: دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ. قرآن جاذبه‌ای دارد که همچون یک کانون مغناطیسی عظیم، مخاطبانش را به سوی خود می‌کشد. فقط باید خود را در معرض این جاذبه و باران حیات بخش قرار دهیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرَةٌ أُنِيقٌ وَ بَاطِنَةٌ عَمِيقٌ؛ به درستی که قرآن ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز دارد و باطنی عمیق و بی‌پایان، و غواصی در آن، برای هر کس تازه‌های لحظه به لحظه دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

قرآن، سفره گسترده ضیافت الهی است که برای هر کس با هر سلیقه و نیازی، غذای آماده دارد، تا هر کس هر کمالی را که می‌خواهد، بیش از طلب خود از آن بهره‌برد. همه مهمان این سفره ایم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «الْقُرْآنُ مَأْدِبَةٌ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ». پس باید بر اشتهایمان بیفزاییم تا بیشتر بهره‌مند شویم. کسی که متخلّق به قرآن شود، به اخلاق ربوبی و صفات ملکوتی متصف می‌گردد؛ همان‌گونه که در وصف رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) وارد شده است: «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ». کسی که کنار این سفره می‌نشیند، درمی‌یابد که صاحب سفره، کریمانه و سخاوتمندانه حضور دارد. آیت الله بهجت (رحمت الله علیه) می‌فرماید: «خُذْ مَا شِئْتَ مِنَ الْقُرْآنِ لِمَا شِئْتَ»؛ دواي هر دردی و پاسخ هر مشکلی در قرآن هست. پس این سفره الهی را با مجالس خانگی قرائت قرآن و دست کم در بین اهل خانه، هر شب گسترده کنیم تا دل‌ها و خانه‌هایمان سرشار از نور آن گردد.

آیه روز اول

أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ نساء، آیه ۱۳۹

آیا عزّت و آبرو را نزد کفار بی‌دین می‌جویند؟! درحالی‌که عزت و آبرو یک سره دست خداست.

پیام اصلی آیه

عزت مطلق و پایدار تنها از آن خداوند است، نه قدرت‌های پושالی. این آیه در واقع یک هشدار و نقد صریح به کسانی است که برای به دست آوردن قدرت، آبرو و منزلت، به قدرت‌های مادی، دشمنان خدا و جبهه باطل پناه می‌برند و از آنها عزت می‌جویند. عزت و بزرگی خواستن از کسانی که عزیز نیستن یا عزتشان عاریتی است، عین ذلت است. منطق قرآن این است که چنین تلاشی کاملاً بی‌هوده و مبتنی بر یک محاسبه غلط است، زیرا این قدرت‌ها خود فاقد عزت واقعی هستند. تمام عزت و قدرت واقعی از آن خداست. درک این حقیقت، روحیه استقامت برای حفظ استقلال را در برابر فشارهای دشمن و تکیه بر قدرت الهی به جای قدرت‌های پושالی، تقویت می‌کند. این آیه، هزینه سنگین‌سازش را یادآوری می‌کند: وابستگی به دشمنان، نتیجه‌ای جز خواری و ذلت نخواهد داشت.

شعر

بندگان در بند خویش اند از کسی یاری نخواه / از خدا باید بخواهی تا من اوبت کند (علیرضا بدیع)

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی)

بگذار خدا آبروداری کند

یک عمر دست و پا زد تا در چشم دیگران کسی باشد. پله های تحسین و تشویق را روی شانه طرف دارهایش یکی یکی بالا رفت و درست وقتی به قله های شهرت و محبوبیت رسید، همان آدم ها نردبان را از زیر پایش کشیدند! تمام استخوان های عزتش درهم شکست؛ چون قاعده این دنیا را نمی دانست؛ چون خبر نداشت که بلور آبرو را نباید جز به دستان مهربان خدا بسپارد. خوش نامی اش را از دهان هایی توقع داشت که جز به بدگویی باز نمی شدند و عزت را از کسانی گدایی می کرد که خود آبرویی نداشتند. به قول حافظ:

بر در ارباب بی مروّت دنیا

چند نشینی که خواجه کی به درآید؟!

آیا تابه حال برای گرفتن وام به یک ورشکسته مراجعه کرده اید؟ شاید خنده دار به نظر برسد، اما این خطای محاسباتی، داستان تکراری بسیاری از افراد و ملت ها در جست و جوی «عزت» است. آن ها برای کسب آبرو، قدرت و امنیت، به درگاه کسانی می روند که خودشان از درون تهی و بی مقدارند.

قرآن درست به قلب همین خطای محاسباتی می زند و درست آنجایی که عده ای برای کسب آبرو و عزت به دشمنان خدا نزدیک می شوند، با یک سؤال کوبنده آن ها را به چالش می کشد: <أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا> (نساء/۱۳۹) آیا عزت را نزد آنان (دشمنان) می جویند؟ (چه نشانی اشتباهی!) چراکه تمام عزت، یک جا فقط برای خداست.

این کار نه تنها به عزت نمی رسد، بلکه به ذلت ختم می شود. تاریخ پُر است از سرنوشت کسانی که این نشانی اشتباهی را رفتند. سرنوشت شاه ایران که روزی با تکیه بر آمریکا خود را ژاندارم منطقه می نامید، اما در پایان، همان ها حتی حاضر نشدند در خاکشان به او پناه دهند.

در مقابل این مسیر ذلت بار، «در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می گیرد... عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی کنند.» [۱] این همان منطق آزادگان جهان است که در اوج فشار برای بیعت با یک قدرت فاسد، فریاد برمی آورند: «هَيْهَاتَ مِثَّا الدِّيَّةَ». مثل میرزا کوچک خان جنگلی که می توانست پیشنهاد قدرت و حکومت انگلیسی ها را مثل صدام ها و قذافی ها بپذیرد و با تکیه بر بیگانگان، به قدرتی ظاهری دست یابد؛ اما خوب می دانست که این نشانی، اشتباه است و این عزت ظاهری، عین ذلت است.

در زندگی شخصی ما هم این اصل جاری است. اگر برای کسب احترام، از اصول خود کوتاه بیایم، در نهایت خوار خواهیم شد. عزت یک ملت، از راه اتکا به قدرت لایزال الهی، تکیه بر توان داخلی و استعداد جوانان به دست می آید، نه با لبخندزدن به قدرت هایی که خودشان در باتلاق مشکلات فرورفته اند. این همان درد عمیقی است که آیت الله بهجت به آن اشاره می کرد: «با داشتن قرآن و عترت و علمای معاصر باز این قدر از آمریکا و شوروی گدایی می کنیم، تا تفصلاً چیزی به ما بدهند. حاضریم صبح تا شام سر راه آن ها بنشینیم تا پنج قرآن به ما بدهند. صورت ظاهر ریال ها را می بینیم، ولی باطن آن را که استعداد و نوکری است، درک نمی کنیم.» [۲] به قول علی رضا بدیع «بندگان در بند خویش اند، از کسی باری مخواه از خدا باید بخواهی تا من اوبت کند.»

عمل و زندگی با آیه

_ نوجوان هستی و فکر می کنی با گشتن با بچه های «شاخ» مدرسه یا تقلید از سلبریتی های خارجی، عزیز و «باحال» می شوی؟ نشانی را اشتباه نرو! عزت واقعی را از خود خدا بخواه، نه با شبیه شدن به دیگران.

_ در دانشگاه یا محیط کار، برای اینکه به حساب بیایی، از باورهای دینی و ملی ات فاصله می گیری؟! عزیز واقعی کسی است که شجاعانه پای هویتش می ایستد.

_ مسئول کشور هستی و فکر می کنی راه حل مشکلات، لبخندزدن به دشمن و عکس یادگاری انداختن با مقامات خارجی و دل بستن به وعده های آن هاست؟ این آیه به تو هشدار می دهد که عزت در تکیه به دشمن نیست، بلکه در اعتماد به خدا و توان

داخلی است.

_ به عنوان یک بانو، فکر می‌کنی «باکلاس بودن» یعنی تقلید از سبک پوشش و آرایش غربی و چشم وهم چشمی و خریدن جنس خارجی؟ عزت واقعی در سادگی و استقلال از این فرهنگ مصرف‌گرایی است، نه در وابستگی به مارک‌ها.

_ اگر به خاطر ساده زیستی یا نداشتن ماشین و خانه لوکس، جلوی دیگران احساس حقارت می‌کنی، بدان که خطای محاسباتی داری. عزت در نگاه خداست، نه در حساب بانکی و تجملات.

_ در شبکه‌های اجتماعی، برای گرفتن لایک و تأیید، هر حرفی را می‌زنی و روی هر موجی سوار می‌شوی؟ این گدایی «عزت دیجیتال» از مردم است. عزت دست خداست که با صداقت و حق‌گویی به دست می‌آید.

در آینه دیگران

وقتی انگلیسی‌ها به میرزا کوچک خان جنگلی پیشنهاد قدرت و حکومت دادند، او بر سر یک دوراهی بزرگ قرار گرفت. می‌توانست با تکیه بر بیگانگان، به قدرتی ظاهری دست یابد، اما او خوب می‌دانست که این آدرس، اشتباه است. او معتقد بود عزتی که از دست دشمن گرفته شود، عین ذلت است. در جواب کلنل استوکس انگلیسی گفت: «برای من و همکارانم تشکیل حکومت مقتدری زیر نفوذ شما، افتخاری نخواهد داشت.» میرزا ترجیح داد در سرما و غربت جان دهد، اما عزتی را که از اتکا به خدا و مردمش به دست آورده بود، به بهای حمایت بیگانه نفروشد. او فهمیده بود که عزت، کالایی نیست که بتوان آن را از دشمنان خدا گدایی کرد، بلکه گوهری است که فقط در خزانه الهی یافت می‌شود و هر آدرس دیگری جز این، به بیراهه ختم خواهد شد.

[۱]. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴.

[۲]. رخشاد، در محضر بهجت، ج ۱، ص ۱۱۳.